

مقاله پژوهشی:

بررسی رابطه مقبولیت و امنیت در گفتمان ولایت

علی مه‌ری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۸

چکیده

مقبولیت در واقع یکی از ارکان و پایه‌های چهارگانه و اصلی حکومت و نظام سیاسی به شمار می‌رود و به نوعی با امنیت، حفظ و تداوم آن در ارتباط است. حفظ و تداوم نظام سیاسی حکومت‌ها نیز بالاترین ضریب امنیت ملی آن محسوب می‌شود. پس بنابراین امنیت یک کشور به میزان مقبولیت حکومت در نزد مردم بستگی دارد. به عبارتی میان مقبولیت و امنیت ملی و حفظ و بقای حکومت نوعی رابطه معناداری وجود دارد که بر روی هم تأثیر می‌گذارند. از طرفی هم نظام سیاسی برای افزایش ضریب امنیتی خود و مردم تدابیر و اقداماتی را در دستور کار خود قرار می‌دهد. تأمین رفاه، امنیت و پاسخ به خواسته‌های مشروع افراد جامعه و ایجاد رضایتمندی، مهم‌ترین مسائل امنیت ملی محسوب می‌شود و نظام اسلامی به هر میزان موفق‌تر عمل کند به همان میزان از مقبولیت و حمایت مردمی نیز برخوردار می‌گردد. در این مقاله ضمن تبیین مفاهیم و شاخص‌های مقبولیت و امنیت در گفتمان اسلام، به رابطه میان آن‌ها با الهام از آموزه‌ها و معیارهای اسلام و نظرات اندیشمندان معاصر اسلامی می‌پردازد، معیارها و شاخص‌های مقبولیت برای حفظ و تداوم نظام اسلامی با استفاده از نظرات صاحب‌نظران و کارشناسان احصاء، جمع‌بندی، تدوین و ارائه شده است. در این پژوهش از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و از روش میدانی و مصاحبه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. با ارائه عوامل مؤثر و معرفی منابع مقبولیت‌ساز، منجر به افزایش امنیت در گفتمان اسلامی در پی پاسخ به این سؤال می‌باشد که چه رابطه‌ای میان مقبولیت و امنیت در گفتمان ولایت وجود دارد؟ با فرض اینکه، رابطه‌ای مستقیم، معنادار، بین این مفاهیم وجود دارد، به بررسی و تحلیل این ارتباط بین مفاهیم می‌پردازد. یکی از نتایج و یافته‌های مهم تحقیق حاضر این است که افزایش رضایتمندی و مقبولیت در جامعه و در بین آحاد مردم موجب ایجاد امنیت بیشتر و در نتیجه حفظ و تداوم نظام حاکم می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مقبولیت، امنیت، امنیت ملی، گفتمان الهی ولایت

۱. دانشجوی دوره دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

گفتمان دینی نظام اسلامی، امنیت را یکی از اساسی‌ترین و ضروریات اجتناب‌ناپذیر در زندگی جمعی بشر و عنصری حیاتی در بهره‌برداری از مزایا و مواهب و نعمات الهی محسوب و آن را از لوازم ضروری و زمینه‌ساز رشد، تکامل و ارتقا و از بهترین آرمان‌های بشری و الهی می‌داند. اساساً امنیت، تداوم و بقای هر نظام سیاسی بر چهار رکن اصلی مشروعیت، مقبولیت، اقتدار و کارآمدی استوار بوده است. از میان چهار اصل فوق مشروعیت و مقبولیت از اهمیت بالا و اولویت بیشتری برای نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها برخوردار هستند. با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است، مشروعیت و مقبولیت در آن از جایگاه کاملاً ویژه و متمایزی برخوردار است. مشروعیت این نظام منبعت از منشأ الهی است و بر اساس فرمایش حضرت امام^(ره) ولایت فقیه همان ادامه ولایت انبیا و ائمه معصومین^(ع) است و مقبولیت آن ریشه در حمایت و پذیرش مردمی به‌عنوان پایه دوم مشروعیت نظام دارد. در دنیای امروز جمهوری اسلامی ایران تنها نظام سیاسی موجود و الگوی منحصربه‌فردی است که تلفیق بی‌نظیر و باشکوهی از حاکمیت الهی (اسلامیت) و مردم‌سالاری (جمهوریت) را به وجود آورده است. با عنایت به اینکه نوع نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام‌های رایج در جهان متفاوت می‌باشد، طبیعتاً مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بقای آن نیز با سایر نظام‌های مادی از جمله نظام‌های لیبرال-دموکراسی متفاوت است.

بیان مسئله

اساساً مفاهیمی همچون مقبولیت و امنیت در دانش علوم سیاسی و حوزه مطالعات امنیتی از سوی پژوهشگران و محققان بیشتر مورد توجه و کنکاش قرار گرفته است. در نظام سیاسی هرچند مفهوم مقبولیت کمتر به کار رفته است، اما واژه مشروعیت به‌جای مفهوم مقبولیت به معنای قانونی بودن و حقانیت حکمرانی بر مردم در ادبیات دنیای غرب بیشتر کاربرد داشته است. دغدغه «مقبولیت حاکمان»، ویژه زمان معینی از تاریخ

نبوده است که امروزه بیش از هر وقت دیگر در جهان شاهد آن هستیم؛ بنابراین اطلاع از خواسته‌ها و انتظارات مردم برای دستیابی به معیارهای مقبولیت‌بخش به حکومت اهمیت پیدا می‌کند. نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر آرای مردم متکی به ارزش‌های دینی و اسلامی است و کاهش مقبولیت آن و به خطر افتادن مشروعیت آن علاوه بر آنکه پایه‌های حکومت را سست و لرزان می‌سازد، به‌نوعی باعث نشان دادن ناکارآمدی نظام دینی برای اداره جامعه می‌شود. هدف از این نوشتار، آشنایی با شاخص‌ها و مؤلفه‌های مقبولیت و منابع مقبولیت‌ساز و امنیت‌ساز از منظر اندیشمندان اسلامی معاصر و سیر تاریخی گفتمان اسلامی است. هرچند مقبولیت امری مهم و اساسی است، اما همیشه و الزاماً با حقانیت همراه نبوده است. لذا شناخت معیارها و شاخص‌های مقبولیت حکومت در نزد مردم امری ضروری به نظر می‌رسد. امنیت هم شالوده اصلی دوام و بقای حکومت‌ها است. وجود یکی از آن دو به‌تنهایی کافی نبوده و لازم و ملزوم یکدیگرند و نوعی ارتباط مستقیم و معناداری میان این دو برقرار است که به تأثیر متقابل آن‌ها خواهیم پرداخت و در پی پاسخ به این سؤال که اساساً چه رابطه‌ای بین مقبولیت و امنیت در گفتمان ولایت وجود دارد؟ برآمده‌ایم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

حفظ و تداوم نظام مبتنی بر گفتمان الهی و اسلامی به میزان مقبولیت مردمی و بر پایه حمایت مردمی آن بستگی دارد و افزایش و یا کاهش مقبولیت به‌طور مستقیم با بقا و امنیت نظام ارتباط پیدا می‌کند و از طرفی در بررسی پیشینه‌های مربوط به این تحقیق به این شکل بررسی نشده و فقط یکی از این دو مفهوم به‌تنهایی مورد تحقیق قرار گرفته است. لذا تبیین رابطه این دو مؤلفه در قالب یک تحقیق اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند و در این راستا تعیین سازوکار، عوامل و شاخص‌های لازم برای افزایش مقبولیت و بالا بردن ضریب امنیتی در گفتمان ولایت ضروری به نظر می‌رسد.

اهداف تحقیق

- ۱- تبیین رابطه مقبولیت و امنیت در گفتمان اسلامی ولایت
- ۲- تعیین شاخص‌های بعد مقبولیت در حفظ و تداوم نظام مبتنی بر گفتمان اسلامی
- ۳- تبیین شاخص‌های مؤثر بر دو حوزه امنیت و مقبولیت در گفتمان ولایت
- ۴- ارائه راهبرد امنیتی مناسب برای حفظ و تداوم نظام اسلامی

سؤالات تحقیق

- ۱- چه رابطه‌ای میان مقبولیت و امنیت در گفتمان اسلامی ولایت وجود دارد؟
- ۲- شاخص‌ها و مؤلفه‌های مقبولیت در نظام اسلامی مبتنی بر گفتمان ولایت کدامند؟
- ۳- شاخص‌های مؤثر بر دو حوزه امنیت و مقبولیت در گفتمان ولایت کدامند؟
- ۴- راهبرد مناسب امنیتی برای حفظ و تداوم نظام اسلامی کدامند؟

روش تحقیق و گردآوری

نوع تحقیق ترکیبی، کیفی و کمی (آمیخته) است و از روش تحقیق اسنادی و پیمایشی و در جمع‌آوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای استفاده شده است و همچنین با استفاده از تهیه پرسشنامه و به جامعه نمونه نخبگان مراجعه و از نظرات آن‌ها برای تبیین رابطه میان مقبولیت و امنیت و تعیین اولویت و شاخص‌های آن بهره‌برداری شده است. چون تحقیق حاضر فاقد فرضیه می‌باشد؛ بنابراین در تحلیل اطلاعات و داده‌ها و اطلاعات از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس و تحلیل عاملی نیز به کار رفته است.

۱. مفهوم‌شناسی و مبانی نظری

۱-۱. تعریف مفاهیم و اصطلاحات

تعریف مقبولیت: معنای مقبولیت^۱ تا حدود زیادی روشن شده است و لذا اختلافات بسیار اندکی در تعریف این اصطلاح در مقایسه با مشروعیت وجود دارد. مقبولیت به معنای

1. Acceptance

«مورد رضایت و پذیرش عموم مردم بودن» است. برای واژه مشروعیت دو تعریف کلان و متمایز عنوان شده است: آنچه در ادبیات سیاسی امروز جهان رایج است این تعریف از مشروعیت را مدنظر دارد. در این تعریف رابطه بسیار نزدیکی بین مشروعیت و مقبولیت برقرار است. بر این اساس مشروعیت عبارت است از توجیه عقلانی اعمال حاکمیت از سوی حاکم (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۳۷).

تعریف مفهومی مقبولیت: یعنی مورد پذیرش واقع شده، در علوم سیاسی؛ یعنی پذیرش نظام سیاسی از سوی مردم (عالم، ۱۳۷۳: ۵۵).

تعریف عملیاتی مقبولیت: عبارت است از جامعه، مقامات حکومت، ترتیب به قدرت رسیدن، ترتیب جابه‌جایی نوع برخورد و تعامل ایشان با افراد جامعه، سیاست‌ها، برنامه عملی‌شان، قوانین و مقررات، فلسفه و اعتقادات زیربنایی حکومت که علی‌القاعده در خلق و خوی و رفتار آن‌ها ظهور و بروز دارد و مورد پذیرش مردم قرار می‌گیرد.

امنیت^۱: امنیت در لغت، فارغ از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند و در اصطلاح سیاسی، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع را امنیت گویند. تعریف لغوی مفهوم امنیت: در فرهنگ‌های لغت امنیت به معنی در امان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی و مادی) احساس آزادی از ترس و احساس ایمنی (امنیت ذهنی و روانی) و رهایی از تردید و اعتماد به دریافت‌های شخصی می‌باشد. تعاریف اصطلاحی متعددی در مورد مفهوم امنیت ارائه شده است، اما در اینجا تعریف کلی از امنیت عبارت است از: «امنیت در معنای عینی، یعنی فقدان هر نوع تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی، یعنی فقدان احساس هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد» (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۶: ۳۸۴).

امنیت ملی: برخی از محققان معتقدند «امنیت ملی وضعیتی است که در آن نظام سیاسی حاکم از بیشترین ظرفیت برای پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندانش برخوردار باشد. بر این

اساس اصلاح روابط بین دولت و ملت و ارتقای میزان مشروعیت (مقبولیت) در کنار رسیدگی به توان دفاعی (به معنای عام آن) مبنای امنیت را در دو حوزه داخل و خارج شکل می‌دهد». تعریف دیگر امنیت ملی عبارت است از دستیابی یک ملت به امکانات توانمندی‌ها و ابزارهایی که بتواند با تمسک به آن‌ها از تهدیدهای خارجی و داخلی در امان بوده، سلطه سیاسی-اقتصادی، فرهنگی و نظامی بیگانه را دفع کند، از ارزش‌های حیاتی خود در صلح و جنگ دفاع نماید، از موجودیت کشور و تمامیت ارضی آن محافظت کند، سیر صعودی در افزایش قدرت و توان ملی در عرصه‌های مختلف داشته باشد و در راه پیشبرد توسعه متوازن و پویا و تحکیم وحدت ملی و ارتقای سطح مشارکت سیاسی جامعه، موفق باشد (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۵).

گفتمان: عبارت است از مجموعه‌ای از گزاره‌های معنادار مبتنی بر نظریه‌ای معین که تولید معنا می‌کند. تولید معنا ویژگی بارز هر گفتمانی است. در واقع همه چیز در عالم هستی معنایش از طریق گفتمان صورت می‌گیرد.

اساساً دو نوع تحلیل گفتمان؛ مرجع یا ابرگفتمان وجود دارد: اولی گفتمان شریعت مدار (همان گفتمان دینی) که در معنای عام مبتنی بر ارزش‌ها، هنجارها و باورها شکل گرفته و تحلیل‌گر آن به تفکیک میان ارزش‌ها و هنجارها در عمل و کاربردش در حوزه سیاست و اجتماع قائل نمی‌باشد.

دومین تحلیل گفتمانی، عرفی‌گراست که ارزش‌ها، هنجارها و باورها در حوزه عمل، سیاست و اجتماع وارد نمی‌شود و اگر کسی به‌عنوان تحلیل‌گر قائل به این تفکیک شود در این صورت بحث سکولار پیش می‌آید و چنین تحلیل گفتمانی‌ای وارد حوزه سکولاریستی شده است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۲-۹۲).

۲-۱. مبانی و ادبیات نظری

(۱) مقبولیت در اسلام

در مغرب‌زمین که میان مقبولیت مردمی و مشروعیت چندان تفاوتی قائل نمی‌شوند، «مقبول» و «مشروع» به چیزی می‌گویند که قانونی بوده، ریشه در Legal و خواست مردمی

داشته باشد. «مقبول» به معنای پذیرفته شده و «مقبولیت» یعنی آنچه مورد پذیرش عموم مردم است. پس در اسلام و غرب، تفاوتی در معنای لغوی آن دیده نمی‌شود، جز آنکه در جداسازی آن از مشروعیت، منشأ و ملاک مقبولیت در این دو دیدگاه و نکاتی از این قبیل تفاوت‌هایی وجود دارد.

بنابراین، در اندیشه اسلامی تنها وظیفه مردم در این خصوص، کارآمد و مقبول نمودن چنین نظامی است که از مشروعیت الهی و حقانیت برخوردار باشد. در گذشته، پذیرش مردمی و مقبولیت در قالب «بیعت» پدیدار و بیان می‌شد. در ادامه به شرح مختصری در خصوص این بحث می‌پردازیم.

(۲) بیعت^۱

در گفتمان اسلامی بیعت یکی از مفاهیم اصلی و منابع مهم مقبولیت‌ساز نظام سیاسی است که به اشکال مختلف رابطه میان مردم و حکومت را استحکام می‌بخشد.

ابن اثیر در کتاب «النهایه»، بیعت نمودن بر اسلام را به معنای «معاهده» و «معاهده» می‌داند: هر یک از آن‌ها آنچه را نزد دیگری هست، خریداری کرده و تمام وجود و اطاعت از او و دخالت در کار خود را به او واگذار می‌کنند.^۲ معمولاً این‌گونه معامله‌ها در میان اعراب آن روز با زدن دو کف بر هم صورت می‌گرفت. چنین رسمی در جاهلیت میان افراد قبیله با رئیس قبیله، به‌ویژه در زمان جنگ، برقرار بود. در آن هنگام تعهد بیشتر از سوی اعضای قبیله در اطاعت محض از رئیس قبیله بوده است او نیز در مقام ریاست، مدافع و حامی افراد به شمار می‌آمد.

برای واژه «بیعت» در اصطلاح، تعاریف زیادی ارائه شده، اما آنچه که در اینجا مورد نظر و بحث است، بیشتر نگاهی به تحولات تاریخی بیعت می‌باشد. بیعت در زمان جاهلیت نیز مرسوم بوده است. در تاریخ اسلام، ظاهراً اولین بار، در جریان انذار نزدیکان قبیله رسول خدا (ص)، سخن از بیعت به میان آمد. در برخی از نقل‌ها کلمه

1. Allegiance

۲. «كَانَ كُلٌّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَاعَ مَا عِنْدَهُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ أَعْطَاهُ خَالِصَهُ نَفْسَهُ وَ طَاعَتَهُ وَ دَخِيلَةَ أَمْرِهِ»

«بیعت» به روشنی دیده می‌شود، ولی در مواردی «زدن دست بر دست» حکایت از همان بیعت بود (امینی، بی تا: ۲۸۳ - ۲۷۸). البته افراد دیگری که مسلمان می‌شدند نیز بایستی با رسول خدا^(ص) بیعت می‌کردند، اما آنچه مسلم است اینکه بیعت به‌طور جدی و عمومی، در پیمان‌های عقبه اول و دوم مطرح گردید. پس از آن نیز سنت بیعت برای هر تازه‌مسلمانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. به این صورت، بیعت آغازی بر نظم نوین سیاسی-اسلامی و یکی از اساسی‌ترین مفاهیم سیاسی گردید؛ مفهومی که افراد جامعه را به رهبر آن متصل می‌کرد و حدود و قیود تعهدات آن‌ها را نسبت به یکدیگر معین می‌ساخت. بیعتی که مردم در پیمان عقبه اول و دوم با رسول خدا^(ص) انجام دادند، از یک سو تعهد افراد نسبت به شروطی بود که پیامبر^(ص) مطرح کردند و از دیگر سو، رسول خدا^(ص) بهشت را برای آنان تضمین نمودند. اگر عنصر «اطاعت» را در «بیعت» جدی بگیریم (و شروط دیگر را فرع آن)، باید اولین پایه تشکیل حکومت را دو بیعت یادشده (عقبه اول و دوم) بدانیم.

آنچه در مورد بیعت در زمان پیامبر^(ص) مورد اهمیت است، محتوای این بیعت‌هاست. بیعت با آن حضرت، نشانگر اظهار پایبندی بیعت‌کننده در عمل به مسائل دینی و اطاعت از پیامبر^(ص) بوده است. در دوره رسالت، بیعت به معنای این بود که فرد مشرک به دلخواه خود، اسلام را می‌پذیرفت. از آنجا که می‌بایست تعهدی در قبال این انتخاب و پذیرش آزادانه وجود داشته باشد، با پیامبر^(ص) بیعت می‌نمود. از این پس او به‌عنوان عضوی از جامعه اسلامی درمی‌آمد؛ یعنی همان‌گونه که از حقوقی بهره‌مند می‌شد، می‌بایست محدودیت‌هایی را نیز بپذیرد. بعدها در جامعه اسلامی که بحث شرک جایی نداشت، بیعت به معنای پذیرش حاکمیت جدید بود. ابن خلدون نیز بیعت را نوعی معاهده بر اطاعت از امیر و حاکم می‌دانست^۱ (ابن خلدون، بی تا: ۷۱۹-۷۲۰).

۱. «ان البيعة هي العهد على الطاعة كان المباح يعاهد اميره على ان يسلم له النظر في امر نفسه و امور المسلمين لا ينازعه في شيء من ذلك و يطيعه فيما يكلفه به من الامر على المنشط و المكروه».

(۳) مقبولیت در اندیشه امام خمینی (ره)

در گفتمان امام خمینی (ره) حکومت در ساحت ارزشی برخلاف حکومت در ساحت عرفی اعم از استبدادی یا لیبرالی قدرت در چارچوب است که با محوریت التزام سیاسی برای همه اعم از مردمان و حاکمان به قانون اسلام و فرمان خدا ضمن تصریح بر تمرکز قدرت بر نقش مؤثر جامعه اسلامی در تأسیس حکومت صحنه می‌گذارد و لذا از میان دو نوع التزام سیاسی انحصاری و اعتدالی در زمان غیبت بر دومی تأکید نموده و به همین دلیل نقش مردم را در چارچوب مذکور مشروعیت‌بخش تلقی می‌کند: «اراده مردم باید در اصل تفویض قدرت دخیل باشد والا قدرت مشروعیت لازم را ندارد» (امام خمینی، «ولایت فقیه و جهاد اکبر»، بی تا: ۵۵).

بنابراین در چنین تلقی‌ای از حکومت حضور شریعت با انتخاب و اراده جامعه توأمان است و به تولید رضایت و افزایش ضریب امنیتی جامعه منجر می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۳: ۵۹). امام خمینی (ره) در تعریفی از حکومت مردمی و خصوصیات مسئولان آن به این شاخص‌ها اشاره می‌کنند:

- مسئولین آن در تمامی قوا می‌دانند که محرومیت یعنی چه، چراکه خود آن را لمس کرده‌اند، نه اینکه مسئولین آن کسانی باشند که با اشرافی‌گری زندگی کرده‌اند و از بدو تولد با نوکر و کلفت و حشم روبه‌رو بوده‌اند.
- هیچ‌یک از مسئولین آن دارای زندگی اشرافی نیستند که ترس از دادن آن را داشته باشند و لذاست که از هیچ قدرتی خوف و ترس ندارند.
- مردم از حکومت همواره پشتیبانی خواهند کرد، چراکه حکومت از جنس مردم و با مردم است (صحیفه امام، ج ۱۸: ۲۸-۳۲).

بر این اساس می‌توان دریافت که امنیت چنین حکومتی وابسته به حمایت، مشارکت و همراهی مردم است، چراکه مهم‌ترین تهدیداتی که حکومت و بقای آن را از منظر امام تهدید می‌کند ناشی از اقداماتی است که می‌تواند میان مردم و حکومت گسست ایجاد نماید. از این رو امام سرنوشت شاه را درسی برای دولت‌ها، برای تأمین بقاء و ادامه حیات حکومت‌ها می‌داند. از منظر امام عامل اصلی سقوط و ازهم‌پاشیدگی و افول رژیم‌های

دیکتاتوری عدم برخورداری از پایگاه و حمایت مردمی است که ریشه در ایده‌های حاکمیت و عدم مشروعیت و مقبولیت مردمی آن دارد. ایشان رژیم‌های دیکتاتوری را به سه دسته تقسیم نموده است:

دسته اول) دیکتاتورهایی که وابسته به دولت‌های بیگانه هستند معمولاً در صورت مواجهه با گستردگی حضور مخالفت علنی مردم به سرعت اعتماد به نفس و اراده خود را از دست داده و لذا تسلیم شده یا پا به فرار می‌گذارند.

دسته دوم) دیکتاتورهایی که متکی به ارتش یا سازمان‌های امنیتی هستند و بسته به ویژگی شخصیتی (اعتماد به نفس) برای حفظ قدرت تا آخر مقابله می‌کنند ولو اگر مجبور به کشتار میلیونی مردم شوند.

دسته سوم) دیکتاتورهایی که هم‌زمان از حمایت دولت خارجی و ارتش و سازمان‌های امنیتی برخوردارند، به مراتب مقاوم‌تر بوده و مدت‌زمان بیشتری لازم است تا تسلیم اراده مردمی و انقلابیون شوند. از دید حضرت امام^(ره) هر سه دسته این حکومت‌ها به دلیل فقدان مشروعیت و مقبولیت مردمی و عدم اتکا به قدرت لایزال الهی و تبعیت از فرمان‌های فطری به جبهه طاغوت و باطل تعلق دارند و همواره آسیب‌پذیر می‌باشند.

(۴) مقبولیت در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مقام معظم رهبری در یکی از خطبه‌های نماز جمعه تهران فرمودند: «دومین مطلب، تکیه بر مردم است. همان‌طور که عرض کردم هیچ‌کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند. حالا بعضی، رأی مردم را پایه مشروعیت می‌دانند؛ لاقلاً پایه اعمال مشروعیت است. بدون آرای مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی، سرپا نمی‌شود و نمی‌ماند. البته مردم، مسلمانند و این اراده و خواست مردم، در چارچوب قوانین و احکام اسلامی است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۸: ۴۷).

«حکومت، فقط فرمانروایی نیست. حکومت، نفوذ در دل‌ها و مقبولیت در ذهن‌هاست. کسی که در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد یا خود را قرار می‌دهد، اول باید در درون خود

به صورت دائمی مشغول تأدیب باشد؛ خود را هدایت کند، به خود تذکر دهد و خود را موعظه نماید» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹: ۲۰۱).

همچنین در یکی از خطبه‌های نماز جمعه تهران فرمودند: «دشمنان ملت ایران می‌دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آن‌ها این را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است. می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این ضررش به مراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بایند در یک چنین حرکت عظیمی این جور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را می‌خواهد».

ایشان در دیدار اعضای مجلس خبرگان نیز تأکید داشتند: «بنابراین، پایه مشروعیت حکومت فقط رأی مردم نیست؛ پایه اصلی تقوا و عدالت است؛ منتها تقوا و عدالت هم بدون رأی و مقبولیت مردم کارایی ندارد. لذا رأی مردم هم لازم است. اسلام برای رأی مردم اهمیت قائل است. فرق بین دمکراسی غربی و مردم‌سالاری دینی که ما مطرح می‌کنیم، همین جاست» (بیانات رهبری، ۱۳۸۱: ۱۸۴).

ابعاد مقبولیت: مقبولیت دارای دو بعد و صورت «ارزشی» و «منفعتی» قابل تقسیم است. در مقبولیت عنصر ذهنی بیشتر مورد تأکید است و از همین حیث هم با مشروعیت تفاوت پیدا می‌کند.

مؤلفه‌های مقبولیت: ۱- رهبران؛ ۲- سیاست‌ها و اقدامات؛ ۳- ساختارها؛ ۴- شعارها و سمبل‌ها؛ ۵- قوانین و مقررات.

- ۱- رهبران (مسئولان): شامل شاخص‌هایی چون ویژگی‌های شخصیتی فردی، رفتار و سلوک، اعتقادات و باورها و سبک زندگی خصوصی مسئولان.
- ۲- سیاست‌ها و اقدامات: شامل شاخص‌هایی چون سیاست خارجی، سیاست داخلی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی.

- ۳- ساختارها: شامل شاخص‌هایی چون توزیع و جابه‌جایی قدرت، نحوه به قدرت رسیدن، متمرکز کردن قدرت.
- ۴- سمبل‌ها و شعارها (نافذ و مقبول نزد مردم باشند): شاخص‌هایی چون انطباق با هنجارها و ارزش‌ها، منطبق با آرمان‌ها و اهداف.
- ۵- قوانین و مقررات: (مقبولیت قوانین حکومت نزد مردم): شامل شاخص‌هایی چون جامعیت و فراگیر، کارآمدی، قابلیت اجرا و عامل به قانون و عادلانه بودن قوانین.

جدول ۱- مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های مقبولیت

مؤلفه / بعد	شاخص‌ها	گویه‌ها	دلیل گویه بودن	روش سنجش	
الف) رهبران (کارگزاران)	۱. ویژگی‌های شخصیتی	میزان شجاعت و خطرپذیری			
		داشتن مدارج علمی و تخصصی			
		قاطعیت در تصمیم‌گیری مسئولان	محاسبه میزان نسبی پایبندی مردم به قانون		
	۲. رفتار و سلوک	میزان قدرت نفوذ کلام و بیان			
		میزان درستکاری و صداقت مسئولان در عمل و اجتناب از خطا	محاسبه میزان نسبی مقبولیت مسئولان نزد مردم		
		پرهیز از ریاکاری و دروغ			
		رفتار عادلانه مسئولان و رهبران			
	۳. اعتقادات	میزان زهد و تقوی			
		التزام عملی به احکام الهی - میزان تدین			
		میزان پایبندی به آرمان‌های انقلاب			
	۴. سبک زندگی	میزان وفاداری به نظام حاکم			
		میزان ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات و اشرافی‌گری			
انطباق شیوه زندگی با هنجارهای ارزشی حاکم جامعه					

مؤلفه / بعد	شاخص‌ها	گویه‌ها	دلیل گویه بودن	روش سنجش	
ب) سیاست‌ها و اقدامات	۱. سیاست خارجی	حکیمانه بودن سیاست خارجی			
		مصلحت‌گرایانه بودن			
		میزان عزتمندی سیاست خارجی			
		میزان ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلومان و مستضعفان			
	۲. سیاست داخلی	مبتنی بر پیشرفت و ترقی کشور			
		انتصاب افراد شایسته و امین			
		میزان انطباق سیاست‌ها با ارزش‌های بنیادی			
	۳. سیاست فرهنگی	جامعیت و فراگیری سیاست فرهنگی			
		میزان عادلانه بودن			
	۴. سیاست اقتصادی	رفاه عمومی مردم			
۵. سیاست آموزشی	قدرت تأثیرگذاری بر تعاملات و مبادلات داخلی و خارجی اقتصادی				
ج) ساختارها	۱. توزیع قدرت	برخوررداری از نظام اداری باثبات در کشور			
		میزان تناسب ساختار اداری با نیازهای جامعه و مردم	محاسبه میزان پذیرش تصمیمات توسط مردم		
	۳. متمرکز بودن قدرت یا تمرکززدایی	میزان مشارکت نهادهای مردمی در تصمیمات و اقدامات حکومت			
		میزان جابه‌جایی قدرت بر اساس ضوابط و شایستگی‌ها	محاسبه میزان نسبی رعایت تفکیک قوا		
د) شعارها و سبب‌ها	۱. انطباق با آرمان‌ها و اهداف	میزان رضایتمندی مردم از به قدرت رسیدن مسئولان			
		اتخاذ سیاست‌های متناسب با مطالبات قانونی مردم			
	۲. انطباق با هنجارها و ارزش‌ها	اتخاذ تصمیمات صحیح و مؤثر در اجرای برنامه‌ها			
		میزان به‌کارگیری از متخصصان و نخبگان در امور کشور			

مؤلفه / بعد	شاخص‌ها	گویه‌ها	دلیل گویه بودن	روش سنجش
۵ قوانین	۱. جامعیت	میزان دخالت تعهد و مسئولیت در مسئولان		
	۲. کارآمدی	وجود قوانین ناکارآمد که قابلیت اجرا ندارند.		
	۳. عمل به قانون	میزان عمل به قانون از سوی کارگزاران و مسئولان کشور	اعتقاد به قانون مدار بودن حاکمان	محاسبه میزان نسبی قانون‌مداری حاکمان
		اجرای قانون از سوی کارگزاران و مسئولان کشور	اطمینان مردم از اجرای قانون	محاسبه میزان نسبی پابندی نخبگان به قانون
	۴. عادلانه بودن قوانین	میزان تساوی افراد جامعه در برابر قانون و دربرگیرندگی همه آحاد جامعه		
	۵. تناسب با نیاز کشور	میزان انطباق قوانین با نیازهای جامعه و مردم		

جدول ۲- شاخص‌های احصاشده مقبولیت در نظام سیاسی ج.ا.ا.

ردیف	شاخص‌ها
۱	التزام عملی مسئولان به قوانین و اصول اسلامی
۲	پابندی مسئولان به آرمان‌های انقلاب و نظام اسلامی
۳	عدالت‌گرایی حاکمیت نظام
۴	نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری
۵	انطباق سیاست‌ها با قوانین و ارزش‌های اسلامی
۶	مشارکت مردم در سیاست‌ها و تصمیمات حکومت
۷	ریسک‌پذیری مسئولان در اتخاذ تصمیمات سرنوشت‌ساز
۸	قاطعیت مسئولان در فرآیند تصمیم‌گیری
۹	نفوذ کلام و قدرت اقناع مسئولان نظام
۱۰	درستکاری و صداقت مسئولان در عمل و اجتناب از خطا
۱۱	ساده‌زیستی مسئولان و پرهیز آن‌ها از تجملات و اشرافی‌گری
۱۲	مردم‌داری حاکمان و هم‌جوئی آن‌ها با مردم
۱۳	انطباق سبک زندگی مسئولان با هنجارها و ارزش‌های جامعه
۱۴۱۷	شایسته‌سالاری و پرهیز از تبارگرایی
۱۸	جامعیت و فراگیری سیاست‌های فرهنگی

شاخص‌ها	ردیف
تخصیص عادلانه امکانات فرهنگی	۱۹
توجه به رفاه عمومی و اقشار کم‌درآمد در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی	۲۰
توزیع عادلانه امکانات و تسهیلات آموزشی در سطح کشور	۲۱
برخورداری از نظام اداری کارآمد	۲۲
تناسب ساختار اداری با نیازهای جامعه و مردم	۲۳
چرخش صحیح قدرت و مطابق با ضوابط و اصول شایسته‌سالاری	۲۴
رضایت‌مندی مردم از مکانیزم انتقال مسالمت‌آمیز قدرت	۲۵
اتخاذ تصمیمات صحیح و مؤثر در اجرای برنامه‌ها	۲۶
میزان به‌کارگیری متخصصان و نخبگان در اداره امور کشور	۲۷
میزان حاکمیت هنجارها و ارزش‌ها در کشور	۲۸
وجود قوانین ناکارآمد	۲۹

۲- امنیت در اسلام

۲-۱- گفتمان‌های رایج امنیتی

به‌طور کلی می‌توان گفت که گفتمان‌های امنیتی و تهدیدشناسی مشتمل بر دو نوع گفتمان ایجابی و سلبی است که به تشریح و تعریف آن‌ها پرداخته می‌شود:

گفتمان سلبی: یکی از گفتمان‌های مهم و مسلط فعلی گفتمان سلبی است که امنیت را در فقدان هرگونه تهدید تعریف می‌کند. مفاهیم مهم در این گفتمان مورد تأکید قرار می‌گیرد، تهدید رکن اصلی مطالعات سلبی امنیت است و با تأکید بر فقدان تهدید می‌توان گفت هرچه تهدیدات بیرونی افزایش یابد ضریب امنیتی کاهش می‌یابد و برعکس هرچه ضریب امنیتی افزایش یابد نشانه آن است که تهدیدات بیرونی کاهش یافته است. «وضع امن عبارت است از وضعیتی که در آن منافع یک بازیگر از سوی سایر بازیگران یا مورد تهدید واقع نشود و یا در صورت بروز احتمالی تهدید امکان مدیریت آن وجود داشته باشد». دومین رکن مهم این گفتمان امنیتی واژه «منفعت» است. هر بازیگری برای خودش منافعی در نظر گرفته و البته این منافع یکسان نبوده و به انواع مختلفی از قبیل حیاتی، مهم

و حاشیه‌ای قابل تقسیم است. منفعت عبارت است از آن خیر یا ارزش مطلوبی که بازیگر برای تحصیل و صیانت از آن برنامه داشته و هزینه می‌نماید.

گفتمان ایجابی: تقریباً از دهه هفتاد میلادی به این طرف گفتمان ایجابی مطرح شده است. در این گفتمان رضایت و اطمینان خاطر شهروندان، محور امنیت است نه زور و قدرت و نفی تهدید. پس در گفتمان ایجابی امنیت ملی اولاً، نگاه درونی می‌شود؛ ثانیاً، ملاحظات امنیتی، نرم‌افزاری شده و امنیت در جایی به وجود می‌آید که شکاف جامعه و نظام به حداقل رسیده باشد و ثالثاً، حتی تهدیدات بیرونی نیز با نگاه درونی دیده می‌شود.

در این گفتمان فاصله بین خواسته‌ها و کارویژه‌ها وجود ندارد تا اینکه فضای نارضایتی ایجاد شود و بدیهی است که عدم فاصله که مساوی با رضایت است نیز با زور و قدرت ایجاد نمی‌شود، بلکه با عواملی همانند مشارکت، هم‌زیستی، عدالت اجتماعی، افزایش آسیب‌ناپذیری، آینده‌نگری و... شکل می‌گیرد. خلاصه گفتمان ایجابی در تعریف امنیت عبارت است از: امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌های شهروندی و کارآمدی نظام سیاسی (داشته)، توازن وجود دارد که موجب «رضایت» و «اطمینان» نزد شهروندان است. پس باید بدانیم امنیت چیست؛ بنابراین می‌توان شکل‌گیری تصویر و تلقی‌های جدید از امنیت و ناامنی در این گفتمان را انتظار داشت. مهم‌ترین ارکان این گفتمان عبارت‌اند از:

۲-۲-۲- ارکان امنیت در اسلام

اول) توحید؛ اصل توحید با مرکزیت دادن به نظام هستی و انسجام‌بخشی به شبکه ارتباطاتی پدیده‌های مختلف، در واقع انسان را از «آشفتگی» و «پیشانی»- در سطوح فردی و جمعی- رهایی بخشیده و بدین ترتیب زمینه نیل به «آرامش» و «اطمینان» را فراهم می‌سازد. برای مثال می‌توان به «آیات» زیر اشاره کرد که غالب مفسران از آن‌ها برای تبیین این بعد از «ایمنی» در گفتمان اسلامی استفاده نموده‌اند:

خداوند متعال می‌فرماید: «...پاداش کسانی که ایمان آورده و بر عمل صالح‌اند، آن است که خدایشان ایشان را از ترس رهایی بخشیده و احساس ایمنی به آن‌ها ارزانی دارد...».

خداوند متعال می‌فرماید: «کسانی که ایمان پیشه ساخته و آن را به هیچ ستمی نیالوده‌اند، برای چنین کسانی ایمنی و آرامش خاطر باشد و هم ایشانند که راه هدایت را دریافته‌اند».

دوم) ایمان: ایمان را مرتبه‌ای بالاتر از اسلام دانسته‌اند که در آن اصول بیان شده به زبان (در مرحله اسلام) جنبه عملیاتی پیدا کرده و در مملکت وجودی فرد و محیط خارجی او عینیت می‌یابند. به این خاطر است که خداوند متعال در قرآن کریم بین اسلام و مرحله ایمان تفاوت نهاده و چنین تصریح می‌دارد:

«ای محمد به ایشان بگو که: شما در واقع اسلام آورده‌اید و هنوز ایمان نیاورده‌اید» و یا اینکه خطاب به مؤمنان تصریح دارد که «ای کسانی که ایمان آورده‌اید پس پیوسته ایمانتان را تجدید نموده و آن را ارتقا بخشید». با تحلیل آموزه‌های محوری گفتمان اسلامی در خصوص ایمان، می‌توان سه کارویژه مهم امنیتی برای «ایمان» را از یکدیگر تمییز داد: نخست آنکه ایمان از آن حیث که جنبه روانی دارد، به ایجاد تعادل بین قوای مختلف انسان کمک کرده و بدین ترتیب مانع از بروز «اضطراب» و «نگرانی» ناشی از افراط و تفریط‌های فردی می‌شود. به عبارت دیگر ایمان در ایجاد امنیت روانی و «معتدل ساختن انسان» نقش مؤثری ایفا می‌نماید (خدیوجم، ۱۳۷۵: ۲۵).

دوم آنکه؛ ایمان از آن حیث که جنبه اجتماعی دارد به تنظیم روابط افراد در حیات جمعی کمک می‌کند. بازداشتن افراد از ارتکاب رفتارهای نابهنجار، دوری از مفاسد اجتماعی و مهم‌تر از همه شأن انسان‌سازی ایمان که به اصلاح فرد به‌مثابه عنصر اولیه جامعه منجر می‌شود؛ تماماً در پیدایش «جامعه‌ای سالم» مؤثر هستند. در چنین جامعه‌ای است که روابط بر «اطمینان» تا «تهدید» استوار می‌باشد (آرام، ۱۳۷۳: ۲۵). سوم آنکه؛ ایمان از حیث سیاسی به تکوین «امت اسلامی» منتهی می‌شود که علاوه بر کارکردهای اعتقادی و ارتباطی، ارزش امنیتی بالایی در معادلات سیاسی نیز دارد. از این منظر کلیه بازیگران مسلمان، در بلوک واحد قدرت قرار می‌گیرند که ضمن داشتن توان تدافعی بالا قادر به تولید قدرت ایجابی بوده و می‌توانند در عصر حاضر طرح «اتحادیه کشورهای اسلامی» را احیا و مطرح سازند (مرقانی، ۱۳۸۲: ج ۲).

به این ترتیب ایمان در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار است و در قالب الگوی واحدی به توسعه امنیت و افزایش قدرت (سلبی-ایجابی) مسلمانان کمک می‌نماید.

سوم) ولایت: ولایت به معنای خاص آن به پذیرش اصل تصدی امور مسلمین از ناحیه خداوند متعال دلالت دارد (مطهری، ۱۳۷۰: ۳۱). تصدی که عام است و حاکمیت سیاسی را نیز شامل می‌شود. چنان که در قرآن کریم تصریح شده: «حکمرانی جز از آن خدای متعال برای کس دیگری نیست». با این حال ضرورت عقلی تأسیس حکومت برای تدبیر امور جامعه اسلامی موجب شده تا اصل الهی به مجرای خاص سوق یابد که رسول خدا (ص) و ائمه اطهار را شامل می‌شود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا، رسولش و اولی الامر اطاعت کنید»^۱.

مطابق تفسیر بالا «ولایت» از سه حیث درخور توجه و تأثیرگذار است:

۱) گفتمان سیاسی اسلام با طرح موضوع ولایت عامه در واقع به یکی از دو پرسش اساسی در حوزه سیاست و حکومت یعنی «چه کسی باید حکومت کند؟» و «چگونه باید حکومت کرد؟» پاسخ داده است. بدین وسیله گام مؤثری در راستای تأمین و تضمین «ایده دولت» برداشته می‌شود. از جمله نتایج این اقدام، سالم‌سازی رابطه مردم و حکومت است که به مثابه یکی از کانون‌های اصلی در بروز بی‌ثباتی سیاسی در حوزه داخل و ضعف قدرت نرم حکومت‌ها در عرصه بین‌الملل قابل طرح می‌باشد (رک: ساندرز، دیوید، ۱۳۸۰).

گفتمان اسلامی به دلیل تأکید بر «نظریه رهبری» و «حقوق متقابل مردم و رهبر» از ظرفیت و قابلیت بالایی برای مواجهه با این دسته از بحران‌ها برخوردار است (افتخاری، ۱۳۷۹: ۶۱).

۲) نظریه امامت به دلیل بهره‌مندی از بنیادهای دینی، عملاً حوزه سیاست و دیانت را به هم مربوط می‌سازد و بدین وسیله در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی، زمینه‌ساز توسعه و تقویت وفاق می‌شود. شهید مطهری در مقام تبیین همین ویژگی است که «نظریه امامت» را دربردارنده دو بعد «رهبری سیاسی» و «مرجعیت دینی» معرفی کرده و بر این باور است

۱. سوره انفال قرآن کریم آیه ۲۰

که جامعه اسلامی از ناحیه زعامت دینی در داخل به وحدت و یکپارچگی رسیده و در خارج به قدرتی برتر تبدیل خواهد شد که ثبات داخلی و امنیت خارجی را به صورت توأمان تأمین خواهد کرد (مطهری، ۱۳۷۰: ۷۰-۶۳).

۳) محوریت امامت و شرایط ویژه مذکور برای آن پدیده آورنده نوعی مکانیسم حل اختلاف مسالمت‌آمیز در داخل جامعه اسلامی است که به واسطه آن نظام سیاسی در مواقع بحرانی، مرجع نهایی برای تصمیم‌سازی در عرصه عمل و گذر از اختلافات پیدا می‌کند. شایان ذکر است که در کلیه نظام‌های سیاسی کارآمد چنین وضعیتی مورد توجه قرار گرفته و سعی می‌شود تا با تعریف پاره‌ای از اختیارات قانونی برای نخست‌وزیر و یا رئیس‌جمهور بر تبعات منفی این شرایط اضطراری فائق آیند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۶۱).

به عبارت دیگر امامت در گفتمان اسلامی به صورت کامل و جامعی دربردارنده معنای «نظام سیاسی» است و از این حیث تمام کارویژه‌های ثبات‌ساز نظام سیاسی را برآورده و تأمین می‌نماید (عمید زنجانی، بی تا: ۷۹-۲۶۸).

بر این اساس، گونه‌ای از مسئولیت برای نظام سیاسی اسلام تعریف می‌شود که عام و فراگیر است، جنبه انسانی دارد و در ارتباط با نوع انسان معنا می‌شود.

نظام سیاسی فارغ از کلیه ملاحظات نژادی، زبانی، اعتقادی و... در قبال تأمین امنیت کلیه افراد تحت حاکمیتش مسئولیت دارد. به عبارت دیگر امنیت، کالایی عمومی به شمار می‌آید که تمامی افراد-اعم از مسلمان و غیرمسلمان بایستی یکسان از آن برخوردار باشند. زیرا شهروندان هر حکومت در قیاس با صاحبان قدرت یا همانند ایشان در خلقت هستند؛ چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «خداوند همان کسی است که تمامی شما را از نفس واحدی آفرید».^۱

بنابراین آنان مستحق رعایت حال و تأمین امنیت هستند؛ یا هم‌کیشان حاکمان می‌باشند که در آن صورت برادران و خواهران دینی ایشان به شمار می‌آیند و به حسب ایمانشان در خور اکرام و امان هستند: «پس هر آن کس که ایمان پیشه ساخت و به اصلاح خود همت گمارد؛ نه اندیشناک و نه اندوهناک باشد».

۱. سوره زمر آیه ۶

این معنا به بهترین وجه در کلام حضرت علی آمده است. ایشان در حکم انتصاب مالک اشتر به استانداری مصر تصریح کرد: «ای مالک، مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان و مهربانی کردن با همگان را و مباش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری! چه رعیت دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تواند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۳۲۶).

گستره امنیت در گفتمان اسلامی وسیع‌تر از نیازمندی‌های دنیوی است و تأمین نیازهای معنوی و مادی افراد را به صورت توأمان در برمی‌گیرد. کاربرد واژگانی چون «اطمینان» و «سکینه»، در کنار مفاهیم سخت‌افزاری چون «عدم ترس» و «دفع خطر» دلالت بر آن دارد که امنیت واقعی تنها در صورتی محقق می‌شود که جسم و روح انسان به آرامش دست یابد. از این حیث، نظریه سعادت مکمل نظریه قدرت در مقام تأمین امنیت به شمار می‌آید (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۹-۱۴).

به همین دلیل است که خداوند متعال به هنگام نقل جریان خلقت انسان، ابعاد وجودی متعدد او را مورد توجه قرار داده و ضمن تأکید بر بعد جسمانی انسان، ابعاد عقلانی، روانی و روحانی وی را نیز متذکر شده است. بر این اساس، تلاش برای تأمین نیازهای مربوط به هر چهار حوزه مذکور به صورت متناسب و متوازن مورد نظر شارع است و اقدامی دینی به شمار می‌آید. به همین دلیل است که پرداختن به جسم و اعطای حقوق حقه آن امری الهی است. در این زمینه خداوند متعال خطاب به بندگان خویش تصریح دارد «و بهره را از زندگی دنیا فراموش نکنید» و این اقدام در کنار تعلق و تأمل در امر دنیا، تهذیب نفس، تقوای پیشگی و انجام اعمال صالح، مورد توجه شارع است.

۲-۳- امنیت در آیات و روایات

امنیت از جمله مقولاتی است که در قرآن به آن بسیار اشاره شده است. یعنی کمتر آیه‌ای یافت می‌شود که ملاحظه امنیتی در بیان و تفسیر آن وجود نداشته باشد. درک این معنا به درک تصویر امنیت در اسلام بازمی‌گردد که با عنوان «گفتمان امنیتی اسلام» از آن یاد شده

است. در واقع وقتی «امنیت جمعی» را که خداوند متعال مدنظر داشته است مبنا قرار داده، استنباط می‌شود که حیات انسان بدون امنیت معنا نمی‌یابد. لذا امنیت، ریشه در فلسفه وجودی حیات جمعی دارد و نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت. به همین سبب در قرآن از لایه‌ها، سطوح، ابعاد و روش‌های مختلف تأمین امنیت بحث شده است. با کنار هم نهادن مجموع این‌ها، نظریه اسلامی امنیت شکل خواهد گرفت.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هرکس که فردی را بدون آنکه مرتکب قتلی شده باشد و یا اینکه در مقام توسعه فساد بر روی زمین باشد بکشد؛ پس چنان باشد که گویی تمام انسان‌ها را کشته است و اگر کسی فردی را نجات دهد، چنان باشد که گویی همه انسان‌ها را زنده کرده است»^۱.

در فرهنگ قرآن کلمه امن و مشتقات آن از جمله پرکاربردترین کلماتی است که در آیات متعددی مشاهده می‌شود. واژه الامن و کلمات و عباراتی که از ریشه امن مشتق گردیده است. علاوه بر این در برخی از آیات، کلمات و اصطلاحات دیگری که دارای مفهوم مشابه با مفهوم واژه امنیت است؛ نظیر سکینه و سلام نیز به کار رفته است. قرآن کریم ضمن برشمردن امنیت و وجوه عینی آن نوع کامل و اصلی امنیت را مبتنی بر ایمان به خداوند می‌داند. از آنجا که مدار حیات این دنیا و آن دنیا بر پرستش، ایمان و خشوع و خضوع در برابر پروردگار قرار دارد، امنیت واقعی نیز باید مبتنی بر ایمان باشد. بر این اساس امنیت مورد نظر قرآن، امنیت ایمانی است (غزایاق زندی، ۱۳۸۹: ۳۱).

این مفهوم هر سه معنای امروزی از امنیت؛ شامل امنیت عینی مثل رزق و روزی یا امن بودن از مکر حيله و فتنه امنیت ذهنی با تأکید بر موضوعات کلیدی چون صبر و توکل و وجه روانی که همان آرامش و اطمینان قلبی است را بازنمایی می‌کند (همان: ۷). نکته مهمی که رویکرد بنیادین اسلام به امنیت در نظریه و عمل معطوف به آن است، ارتباط و پیوند عمیق مفهوم امنیت با مفاهیمی چون اسلام، ایمان و مؤمن است.

به‌طور کلی با ابتنا بر نصوصی از قرآن که در آن‌ها ماده امن و مفاهیم هم‌افق با آن به کار رفته است می‌توان معانی مختلفی را برای مفهوم امن در قرآن و سنت برشمرد که از آن جمله عبارت‌اند از: عدم خوف، تصدیق، طمأنینه، عدم خیانت، پناه دادن (محمود منجد، ۱۴۱۷ ق: ۳۶). از منظر دیگری ورود به بحث امنیت در قرآن کریم از طریق چند مفهوم بنیادین و کلیدی صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از: جفت متضاد ایمان و کفر، معرفی صفاتی از خداوند؛ نظیر قدرت خدا بر هر چیز، اعتماد و توکل بر خداوند و ایمان به سنت‌های الهی که از جمله این سنت‌های الهی مرتبط با موضوع امنیت می‌توان به گریزناپذیری پاداش و عذاب الهی، غلبه نهایی حق بر باطل و... اشاره نمود (غریاق زندی، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۳).

امنیت در زیربنایی‌ترین سطح، احساس آرامشی است که فرد به سبب باور قلبی به خدا و به میزان ایمان و یقین خود به آن دست می‌یابد و لذا امری درونی و باطنی است که افراد علی‌رغم تمامی سختی‌ها، ظلم‌ها، تعدی‌ها و بی‌عدالتی‌ها، ارعاب و ارهاب به دلیل ایمان به خدا و عمل به تکلیف الهی به آن دست می‌یابند و آن را احساس می‌کنند. در شرایط ناامنی یاد کسی که می‌تواند یار و یاور باشد امیدوارکننده است و باعث می‌شود حیات انسان از جانب خودش متوقف نگردد و همچنان در جریان باشد (همان: ۳۰).

در مکتب و نظام سیاسی اسلام، امنیت معنای بسیار وسیع‌تری از مکاتب امنیتی موجود دارد. شاخص‌ترین و بارزترین مدعای آن نیز تسری موضوع امنیت به جهان پس از مرگ است، به‌گونه‌ای که عمق توجه اسلام به این بعد و قلمروی امنیت تأثیر چشمگیری بر جهت‌گیری و معنای تمامی ابعاد معمول امنیت در مکاتب دیگر می‌بخشد. کسی که به خدا ایمان دارد هرگز به بن‌بست نمی‌رسد و ضامن امنیت او خداست و وعده الهی تخلف‌ناپذیر است. پس بنابراین با توجه به موارد و مطالب بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که مؤلفه‌هایی در واقع اصول اولیه دین را تشکیل می‌دهند و به‌خودی‌خود وضعیت امن را در جامعه به وجود می‌آورند و امنیت در اسلام از طریق متغیرهای امنیت‌ساز مستقل ایجاد می‌شود و این متغیرها در گفتمان اسلام عبارت‌اند از: **اول) توحید:** اصل پذیرش اسلام مایه سلامت و ایجاد ایمنی است. **دوم) ایمان:** برای فرد، آرامش، برای جامعه، وفاق و برای جهان اسلام

وحدت می‌آورد. سوم) ولایت و امامت: انتخاب رهبران صالح و تنظیم رابطه آن‌ها با مردم به صیانت جامعه و تولید رضایت منجر می‌شود. چهارم) سعادت: امنیت انسانی از طریق اولویت‌بخشی ارزش انسان بر قدرت، در مکتب اسلام تأمین و تأیید می‌شود. به‌زعم نگارنده، هدف و غایت نهایی گفتمان اسلام، سعادت ابدی و اخروی انسان است و علت غایی امنیت در اسلام کمال و رسیدن به قرب الهی است. با توجه به اصول و ارکان چهارگانه امنیت می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های رویکرد امنیتی در گفتمان اسلامی را به شرح زیر بیان داشت:

(۱) ایجابی‌نگری در برابر سلبی‌نگری

در حالی که در گفتمان جاهلی مقوله «تهدید» محوریت دارد و امنیت‌سازی در گرو تلاش برای افزایش امکانات سخت‌افزاری برای دفع دشمن و در مقام بعدی پیش‌دستی در سرکوب رقبا است؛ در گفتمان اسلامی این رویکرد نقد و به حاشیه رانده می‌شود. پیامبر اکرم (ص) عرضه اسلام و نقطه آغازین رسالتش را بر «صلح» و «سلام» قرار داد و از این حیث است که برخی از مفسران اطلاق عنوان «اسلام» را بر این دین چون منادی «سلام» و «آرامش» بوده است، توجیه کرده‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۳۷۵).

(۲) دو انگاری در برابر یکسان‌نگاری منطقی

از جمله ویژگی‌های منفی گفتمان‌های بسیط در حوزه مدیریت مسائل امنیتی، کاربرد منطق واحد برای تمامی معادلات امنیتی است. بدین‌صورت که این بازیگران بین موضوعات امنیت از حیث حوزه و قلمروشان تفکیک قائل نشده و پیوسته در چارچوب الگوی واحدی به تجزیه، تحلیل و ارائه راهکار می‌پردازند. این رویکرد از آن حیث که تفاوت میان «بازیگران» و اختلاف «مقتضیات محیطی» را نادیده می‌انگارد، به‌شدت مورد نقد بوده و بنیاد ناکارآمدی حکومت‌ها در عرصه امنیت‌سازی را شکل می‌دهد. با تأمل در گفتمان امنیتی اسلام در مقایسه با گفتمان تک‌منطقی جاهلی که در آن مسائل امنیتی با زور و اعمال قدرت حل‌وفصل می‌شود می‌توان دریافت که رویکرد اسلامی از این حیث کاملاً

متفاوت بوده و در کلی‌ترین تقسیم‌بندی قائل به دو حوزه اصلی و متفاوت از حیث منطق تحلیل و تجویز راهکار امنیتی است.

حوزه اول ناظر بر روابط مبتنی بر «ایمان» و پذیرش «اسلام» است و منطق حاکم بر آن «رحمت» و «نزدیکی قلوب» می‌باشد تا از این طریق «اطمینان» و «آرامش» بر امت اسلامی حاکم شود. حوزه دوم ناظر بر اردوگاه «کفار»-به معنای معارضین و نه «غیر مسلمانان»- است و امت اسلامی به تبعیت از منطق «شدت» به بازدارندگی ایشان از معرض و تقویت توان دفاعی خویش می‌پردازند. بر این اساس، «رحمت» و «شدت» به صورت توأمان در تحلیل امنیت رویکرد اسلامی مطرح هستند و چنان نیست که تمامی موضوعات داخلی و خارجی به گونه‌ای یک‌سویه و تک‌منطقی تحلیل و برایشان راهبرد ارائه شود.

(۳) تقدم فرد بر حکومت

در گفتمان اسلامی چنان که بیان شد قدرت به منزله موضوعی فرعی در خدمت سعادت انسان قرار می‌گیرد و ارزش استقلالی خود را از دست می‌دهد. «عبدالعزیز سالم» پس از بررسی تاریخ عرب قبل از اسلام، با استناد به عمده‌ترین متون تاریخی موجود در این زمینه به این نتیجه می‌رسد که «فرد» اساساً در نگرش جاهلی موضوعیت ندارد و هرآنچه هست هویت جمعی اوست که ارتباطی وثیق با صاحبان قدرت دارد. بر این اساس تأمین ایمنی قدرت و تلاش برای کسب صیانت و توسعه آن به اولویت نخست امنیتی در این جوامع تبدیل می‌شود (شریعتی، ۱۳۷۰: ۴۸-۴۷) و برعکس در گفتمان اسلامی قدرت شأنی ابزاری در نیل به سعادت انسانی و تحقق ارزش‌های عالی دینی می‌یابد و به همین دلیل است که امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌فرماید: ارزش حکومت بر مردم اگر به احقاق حق و تأمین آرامش برای جامعه منتهی نشود تا بدین وسیله زمینه رشد و تعالی انسان فراهم آید، بسیار خرد و ناچیز می‌باشد (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: خطبه ۲: ۹-۲). این معنا برگرفته از کلام الهی است. آنجا که انسان را «اشرف مخلوقات» و «مسجود فرشتگان» لقب داده و تصریح دارد که تمام آنچه در زمین است برای انسان می‌باشد تا او به «سعادت واقعی» نائل آید. لذا قدرتی که در خدمت به انسان در راه نیل به کمال باشد ارزشمند به حساب می‌آید.

«و (خدا) خورشید و ماه را با برنامه منظمی، مسخر شما گردانید و همچنین روز و شب را^۱ و ما بودیم که به شما سلطه بر زمین را عطا نمودیم و انواع نیازمندی‌های زندگی را در آن برایتان فراهم ساختیم؛ اما کمند آنانی که از شما شکر گذارند و خدا کسی است که هرآنچه در زمین است را برای شما آفرید».

این وجه از گفتمان امنیت اسلام مؤید اهمیت و اولویت «امنیت انسانی» است که امروزه مورد توجه بسیاری از امنیت‌پژوهان قرار گرفته است (توماس، بحرانی و همکاران ۱۳۸۲: ۳۰-۲۸). به نظر می‌رسد که بهترین و جامع‌ترین تعبیر برای تبیین این وجه از رویکرد امنیتی اسلام کاربرد واژه «خلیفه‌اللهی^۲» برای انسان است. اتصال انسان به خدای متعال که خالق یکتا است و بهره‌مندی انسان از «روح‌اللهی^۳» موجب می‌شود تا جهان‌بینی اسلامی تک‌کانونی نبوده، بلکه دارای محوری باشد که یک کانون لاهوتی و یک کانون ناسوتی دارد. به این دلیل انسان حرمت ذاتی یافته و خدمت به آن تبدیل به عبادت می‌شود. ابعاد فلسفی این تلقی، وسیع و درخور تأمل مستقل است تا آنجا که حتی «فرد» حق ندارد نسبت به «خود» ضرر وارد نماید؛ چراکه هویت فردی هر انسان، دارای ارزش و درخور کرامت است.

۲-۴- منابع امنیت‌ساز و شیوه‌های تأمین امنیت

در اندیشه امام خمینی^(ره)، از منظر درونی، می‌توان منابع تأمین امنیت را در حوزه یا فضای فردی و اجتماعی تعقیب نمود که آثار و نتایج آن را در دو مورد زیر می‌توان خلاصه کرد. «وحدت و انسجام» (ایمان و معنویت).

۱. سوره مبارکه ابراهیم، آیه شریفه ۳۳

۲. سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۳۰

۳. سوره مبارکه فجر، آیه شریفه ۲۹

(۱) وحدت و انسجام

وحدت در بین اقشار مختلف و مسئولان، نقشی کلیدی در الگوی مدیریت و رهبری امام خمینی^(ره) ایفا می‌کند. کارکرد وحدت، اتحاد، انسجام و تفاهم اجتماعی و سیاسی، از نظر ایشان بی‌نظیر و منحصر به فرد است. وحدت، رمزی است که امام آن را گشود و خود نیز معتقد به این رمزگشایی بود. وحدت در پیروزی انقلاب نقش اساسی داشت و در بقای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نیز همان نقش را ایفاء می‌کند. تعبیر حضرت امام^(ره) در این خصوص کاملاً روش: ما پیروزی‌مان با وحدت کلمه و اتکا به اسلام بود، الله اکبر ما را پیروز کرد، حالا هم... سلاح ما همان الله اکبر است. وحدت کلمه ما را پیروز کرد. حالا هم سلاح ما همان وحدت کلمه است (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۵۵).

به بیان بهتر، امام خمینی^(ره) معتقد بودند علت مبقیه انقلاب، همان علت موجدیه یا محدثه آن است، یعنی همان علت یا انگیزه‌ای که انقلاب را به پیروزی رساند، همان است که می‌تواند موجبات حفظ و بقای آن را نیز فراهم کند. ایشان در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود در این خصوص می‌نویسند:

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد... و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. یکی از شیوه‌های تأمین وحدت در چارچوب اهداف انقلاب و حفظ انقلاب به تعبیر امام^(ره)، حفظ مصالح یکدیگر است.

«... و ما راه طولانی دیگری داریم و آن اینکه ریشه‌های گندیده استعمار را از بیخ و بن ان‌شاء الله به خواست خدا درآوریم و این میسر نیست، میسر نیست مگر اینکه این نهضت را به همین طور که تا اینجا آمده است حفظ کنید؛ این وحدت کلمه را حفظ کنید. از اختلافات دست بردارید؛ احتراز کنیم از اختلاف. ما همه برادر هستیم، همه ملت با هم برادرند. به گفته خدا مؤمنین برادر هستند؛ برادر باید مصالح برادر را حفظ کند» (صحیفه امام، ج ۶: ۴۱۹).

«همه می‌دانید که رمز پیروزی بزرگی که ملت به آن رسیده است وحدت کلمه همه اقشار از مرکز تا اقصی بلاد کشور و هدف آن برچیده شدن حکومت طاغوتی و قطع ایادی استعمار و استثمارگران بین‌المللی و برپا شدن جمهوری اسلامی بود. اکنون نیاز بیشتر داریم به حفظ این وحدت کلمه و وحدت مقصد» (صحیفه امام، ج ۶: ۲۶۲).

(۲) ایمان و معنویت

اهمیت قدرت اسلام و معنویت، در مرکز اندیشه امام قرار دارد. توجه به ایمان و معنویت دینی، منبع لایزالی از توانمندی‌ها تولید می‌کند که امنیت و بقای ملت و کشور با آن تضمین می‌گردد: «این‌هایی که به مملکت ما خیانت کردند و مملکت ما را به تباهی کشاندند آن بودند که ایمان نداشتند. اگر در بین آن‌ها یک نفر ایمان داشت، آن یک نفر این کارها را نمی‌کرد. آن‌هایی که خوردند و بردند و ما را به تباهی کشاندند، آن‌هایی بودند که به اسلام کار نداشتند، اعتقاد نداشتند، به ماوراء طبیعت اعتقاد نداشتند، به معنویات، عقیده نداشتند...» (صحیفه امام، ج ۷: ۴۶۴).

از سوی دیگر، روحانیت نیز به‌عنوان مرجع تولید گفتمان دینی و حافظ آن، در جبهه مقدم معنویت و ایمان اسلامی قرار دارد و حفظ و بقای جامعه اسلامی بسته به آن است: «چنان چه همه ما... و خصوصاً روحانیت و خطبا در صحنه نباشیم و حاضر باشیم در قضایایی که می‌گذرد، مطمئن باشید که با عدم حضور شما، به سرانقلاب آن خواهد آمد که بر سر مشروطه آمد... بر همه ما و... همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. اگر بنا باشد که روحانیون کنار بروند و گاهی با یک قلمی اشکالات را بگویند و در رفع اشکالات کوشش نکنند و خطبا در منابر خودشان، مسائل روز را فراموش کنند و مسائل انقلاب را فراموش کنند، این انقلاب صدمه خواهد دید» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۲۹).

«... ما همه دیدیم که در همه بلاد، معممین - معممین متعهد - در رأس مردم بودند و مردم را وادار کردند به اینکه نهضت کنند و مردم هم اطاعت کردند... من در خدمت شما هستم. روحانیت در خدمت اسلام و در خدمت ملت است. این سد را حفظ کنید تا کشور شما حفظ بشود...» (صحیفه امام، ج ۷: ۸۶).

بر این اساس، شیوه‌های تأمین امنیت باید با این رویکرد تناسب داشته باشد: «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آن‌ها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه خواهد بود» (صحیفه امام، ج ۴: ۲۴۸). در اندیشه امام، رویکرد از «پایین به بالا» و «درونی» از آن رو اصالت می‌یابد که به اعتقاد ایشان، انقلاب اسلامی، انقلابی مردمی و اسلامی بود و با حضور ملت تکوین یافت. شکل متغیرهای اثرگذار بر امنیت در مکتب امام خمینی^(ره) و مراحل امنیت‌یابی در آن (خسروی، ۱۳۹۱: ۲۱۸).



شکل ۱- متغیرهای امنیت‌ساز

شیوه تأمین امنیت، ترجمان عینی و اجتماعی- ملی این رویکرد است که می‌توان آن را در عنوان الگوی «مردم‌محور» متبلور دید که در این صورت، الگویی نرم‌افزارگرا به شمار می‌رود و از الگوی دولت‌محور و سخت‌افزارگرا متمایز می‌شود. شاکله این الگو در نظریه امام^(ره) با عنوان «حضور مردم در صحنه» مشخص می‌شود که اجزای آن عبارت‌اند از: «پشتیبانی مردم از نظام اسلامی»، «دخاله مستقیم مردم در امور سیاسی»، «تفاهم ملت و دولت» و «برخورداری نظام اسلامی از پایگاه مردمی».

۳. شاخص‌های مقبولیت‌ساز حکومت اسلامی پیامبر (ص)

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین عواملی که به ایجاد امنیت اولین حکومت اسلامی در شهر مدینه انجامید، رفتار نیکو و جذاب پیامبر در برخورد با مردم به‌منزله حاکم و رهبر آنان بوده است و این علاوه بر رفتار معاشرتی پیامبر در زندگی اجتماعی ایشان به شمار می‌رود. حکومت پیامبر و به عبارت دیگر اخلاق حکومتی ایشان همگان را مجذوب روش و منش آن حضرت کرده بود به‌گونه‌ای که توده‌های مردم، حکومت را از آن خود می‌دانستند و از هیچ‌گونه حمایت و پشتیبانی‌ای نیز دریغ نمی‌کردند. برخی از الگوهای رفتاری پیامبر اکرم (ص) در عرصه‌های مختلف اجتماعی که به‌نوعی بر مقبولیت حکومت ایشان می‌افزود شامل موارد زیر بوده است:

۳-۱. عدالت اجتماعی

از دیدگاه پیامبر انسان‌ها در آفرینش یکسانند و تفاوت در نژاد، زبان، ملیت، رنگ و ... ملاک امتیاز افراد به شمار نمی‌رود، همه از یک پدر و مادر خلق شده‌اند و به فرموده ایشان: «مردم همانند دندان‌های شانه (برابر) اند» (مجلسی، ۱۴۰۳ بحارالانوار، ج ۵۸). اجرای عدالت اجتماعی در دولت شهر مدینه توسط پیامبر یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت ایشان به شمار می‌رود. پیامبر قانون الهی را نسبت به همه اعم از ثروتمند و فقیر، اشراف و بردگان، وابستگان و اغیار یکسان اجرا می‌کردند (سبحانی، ۱۳۷۲: ۵۱۹).

۳-۲. رضایتمندی

شیوه پیامبر در مدیریت جامعه اسلامی هیچ‌گاه دیکتاتورمآبانه نبود، به‌علاوه پیامبر سعی می‌کرد با رفتار نارضایتی ایجاد نکند. در اولین جنگ با کفار قریش از آنجا که با هدف نبرد به بدر نرفته بودند، رضایت اصحاب به جنگ را مدنظر قرار داده و به آن تن دادند (همان: ۵۰۲).

۳-۳. شفاف‌سازی

بدون تردید رفتار حاکمان گاه با ابهاماتی برای مردم روبه‌رو می‌شود که چنانچه حاکم یا زیرمجموعه او ابهام را برطرف نکنند نارضایتی و در نهایت دشمنی را به دنبال خواهد داشت. رهبران اسلامی نیز این موضوع را مدنظر قرار داده‌اند، همچنان که امام علی خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: اگر مردم در کاری نسبت به تو بدگمان شدند و تصور کردند که به ایشان ستم کرده‌ای عذر و دلیل عمل خویش را برای آنان روشن و آشکار نما تا از بدگمانی به تو دوری کنند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

سیره پیامبر خدا نیز چنین بود، چنان‌که در صلح حدیبیه عمر به حضرت در خصوص معاهده ایشان با قریش و غیر متساوی بودن یکی از بندها به سود کفار انتقاد کرد که به دنبال آن حضرت با منطق و استدلال او را قانع کردند (سبحانی، ۱۳۷۲: ۱۹۷).

۳-۴. مشارکت

پیامبر مردم را در امور سیاسی مشارکت می‌داد و از نظرات و برنامه‌های آنان به‌خوبی بهره می‌برد. این مشارکت‌ها میزان حمایت مردم از استراتژی اتخاذشده را بالا برده و آنان خود را در تمامی مراحل سهم می‌دانستند. برای نمونه نظرخواهی در مورد نحوه نبرد در جنگ خندق (احزاب) بود که پس از مشورت با اصحاب نظر سلمان مبنی بر حفر خندق عمل می‌شود (همان: ۱۲۶).

۳-۵. ارتباط با مردم

ارتباط حاکم و مردم نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف حکومت دارد، از دیدگاه پیامبر حاکم مسئول است و باید دلسوزانه جامعه را هدایت و رهبری کند. هیچ‌گاه حکومت طعمه و غنیمتی برای وی به حساب نمی‌آید که در کنار آن خود و بستگان و نزدیکانش را بهره‌مند ساخته و دیگران را از آن محروم نماید، چنانچه حضرت علی^(ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: با مردم همچون حیوان درنده‌ای که خوردن آنان را غنیمت شماری مباش (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۳-۶. رعایت حقوق مردم

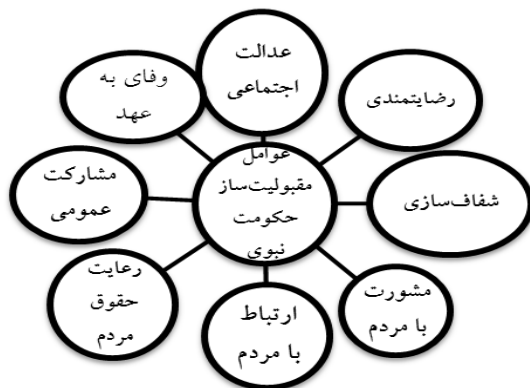
از دیدگاه اسلام همچنان که حاکمان حقی بر مردم دارند مردم نیز حقی بر آنان دارند و این رابطه به طور متقابل برقرار است. مردم حق دارند که از امنیت ایجادشده استفاده کنند و حاکمان نیز حق خواهند داشت که از قدرت به وجودآمده توسط آحاد مردم در ایجاد امنیت و رفاه همگانی بهره ببرند. حکومت موظف است از حقوق مشروع شهروندان دفاع کند همچنان که پیامبر از حقوق مردم دفاع می‌کردند.

۳-۷. حضور پیامبر در امور عامه

پیامبر اکرم سعی می‌کردند که در امور عمومی شخصاً به منزله یک شهروند، حضوری فعال داشته باشند. به طور مثال در جریان ساخت مسجد ایشان نیز همانند دیگر مسلمانان مانند یک کارگر ساده سنگ می‌بردند و کار می‌کردند و یا در حفر خندق شخصاً کار می‌کردند و هیچ‌گاه در لحظات حساس یاران خویش را تنها نمی‌گذاشتند.

۳-۸. وفای به عهد و پیمان

یکی از مهم‌ترین خصوصیات همه پیامبران وفای به عهد بوده است. دشمن نیز به این ویژگی پیامبر پی برده بود و به آسانی با او پیمان می‌بست و اطمینان داشت که از جانب ایشان نقض نمی‌شود و این موضوع نیز در حفظ امنیت مدینه تأثیر به‌سزایی داشت.



شکل ۲- مدل مفهومی شاخص‌های مقبولیت‌ساز حکومت پیامبر (ص)

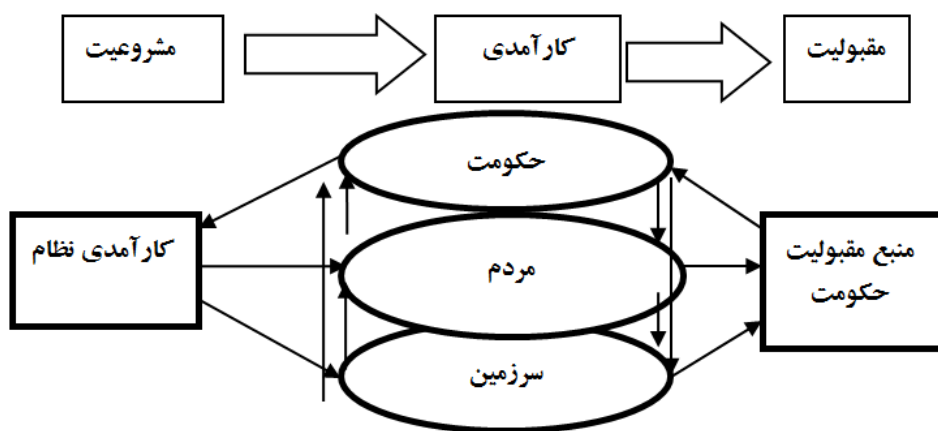
۴. رابطه میان مقبولیت و امنیت در نظام مردمسالاری دینی

با توجه به تعریفی که از امنیت مبتنی بر رویکرد ایجابی عرضه شد، مشخص می‌شود که امنیت با مردمسالاری در عصر حاضر و در گفتمان ایجابی رابطه وثیقی و مستقیمی دارد؛ به گونه‌ای که از عناصر اصلی و مقوم شکل‌گیری معنای امنیت به شمار می‌آید. البته حضور «مردمسالاری» در حوزه‌های «امنیتی» منحصر به بعد معناشناختی‌ای که ذکر آن رفت، نبوده و ابعاد دیگری را نیز شامل می‌شود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تأثیرات کاربردی موضوع اشاره داشت. از این حیث «مردمسالاری» شاخص معتبری برای سنجش میزان امنیت در هر دو سطح داخلی و خارجی به شمار می‌آید (افتخاری ۱۳۸۲: مصاحبه با حنیف غفاری). در رویکرد داخلی این شاخص بسان متغیر میانجی بین دو متغیر وابسته (یعنی مشروعیت) و مستقل (یعنی مردمسالاری) عمل می‌نماید و به این ترتیب به کار تمییز رژیم‌های مشروع از نامشروع می‌آید.

بر این اساس «مردمسالاری» در معادلات امنیتی معاصر، صرفاً یک روش سیاسی برای اداره جامعه ارزیابی نمی‌گردد؛ بلکه افزون بر آن «الگویی» عملیاتی به شمار می‌آید که می‌تواند بر «مشروع» یا «نامشروع بودن» یک حکومت دلالت داشته باشد. از این منظر جریان قدرت درون یک جامعه با کاربرد «الگوی مردمسالار» به ثبات مورد نیاز دست یافته و از تعرض مصون می‌ماند؛ حال آنکه در غیر این صورت، پشتوانه مردمی‌اش را از دست داده و راه زوال را طی خواهد کرد. معنای این سخن آن است که «مردمسالاری» به تولید مفهوم بنیادین و مهمی چون «ثبات» منجر می‌شود که برای قدرت‌ها - به طور سنتی - دربردارنده معنای «ایمنی» بوده است. از سوی دیگر، «مردمسالاری» برای افراد و بازیگران خرده‌ملی، مفهوم «رضایت» را به دنبال دارد که جوهره «امنیت» را - در اشکال مدرن و ایجابی آن - شکل می‌دهد (مصاحبه: همان).

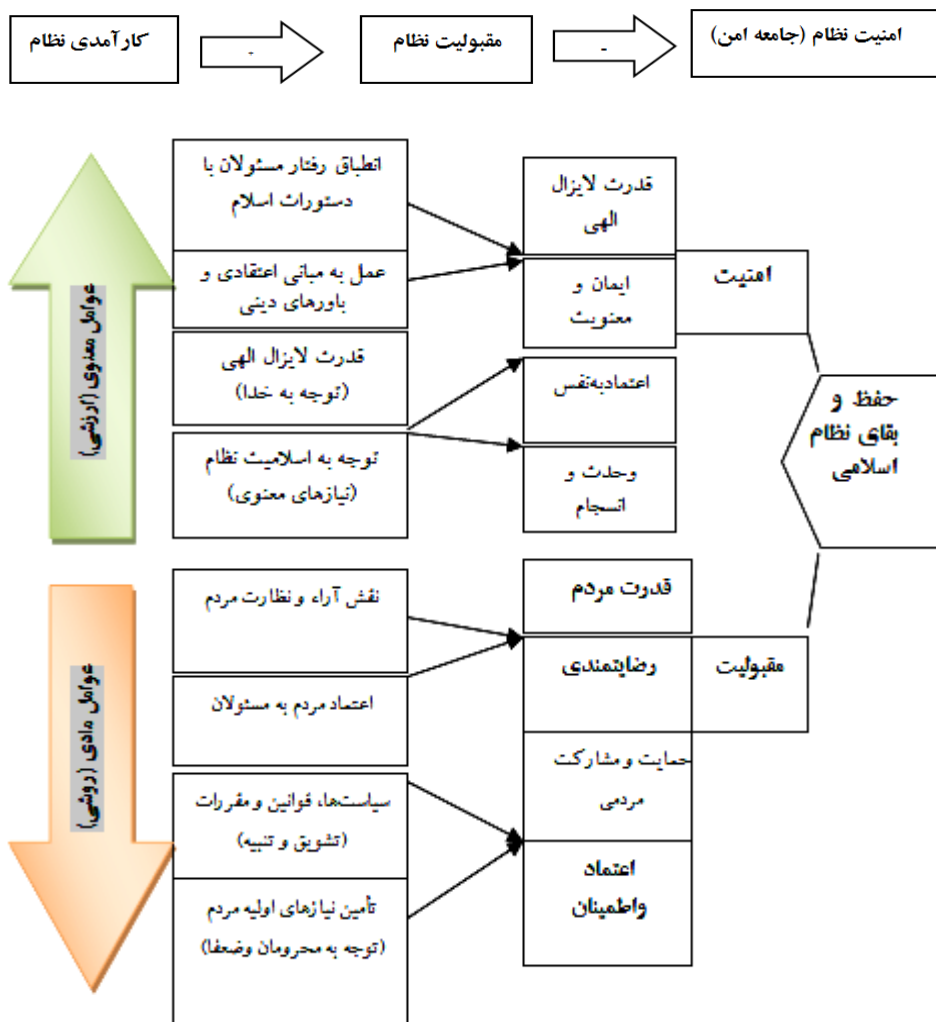
استاد افتخاری پژوهشگر حوزه امنیت در اسلام معتقد است که نظام «مردمسالاری» در بعد داخلی بر دو رکن «رضایت» و «ثبات» استوار است؛ ارکانی که از یک سو آن را به «دولت» و از سوی دیگر به «ملت» متصل ساخته و از طریق این ارتباط، شبکه مفهومی

واحدی درون جامعه پدیدار می‌شود که «مشروعیت» و «مقبولیت» نظام حاکم مبتنی بر رضایت شهروندان نتیجه آن است. چنین نظام‌هایی در اداره امور داخلی‌شان از بیشترین میزان کارآمدی برخوردارند و لذا می‌توان ادعا کرد که «مردم‌سالاری» به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا بتوانند تعریف ایجابی از امنیت را محقق سازند. باید پذیرفت که «امنیت واقعی» بدون حضور رضایتمندانه مردم در عرصه‌های سیاست و حکومت، در عصر حاضر تحصیل نمی‌شود. رمز تأکید فراوان امام خمینی^(ره) بر نقش و جایگاه برجسته مردم در سیاست و حکومت و التزام به این مهم در سیره حکومتی‌شان در همین نکته نهفته است. از این منظر، اندیشه و عمل امام خمینی^(ره) می‌تواند به‌عنوان یک الگوی کاملاً دینی از «مردم‌سالاری» برای استفاده جوامع دینی مطرح باشد. الگویی که کلیه اصول و ویژگی‌های لازم برای ورود به عرصه عمل سیاسی را دارد.



شکل ۳- چارچوب نظری مقبولیت در حکومت

مقبولیت مهم‌ترین مؤلفه ایجاد و تداوم حیات و بقای حکومت بوده و دوام و قوام حکومت به آن بستگی دارد. از طرف دیگر، مردم نیز رابطه خود را با سرزمین از طریق حکومت برقرار کرده و نیازهای خود را از این طریق برآورده می‌کنند. هرچه مقبولیت حکومت بالاتر باشد، توانایی آن برای اداره سرزمین بیشتر بوده و اداره مؤثرتر سرزمین امکان‌پذیرتر می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۶).



شکل ۴-مدل مفهومی رابطه مقبولیت و امنیت در حفظ و بقای نظام اسلامی

۵. تحلیل داده‌ها و اطلاعات

با بهره‌گیری از روش‌های اسنادی، کتابخانه‌ای پیمایشی و طوفان مغزی برای گردآوری اطلاعات به‌منظور بررسی رابطه امنیت با مقبولیت در گفتمان دینی ولایت، در پژوهش حاضر، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای، حاوی ۳۰ سؤال، بر اساس مقیاس درجه‌بندی لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم تدوین گردید. پس از جمع‌آوری داده‌های حاصل از پرسشنامه،

به منظور پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، با استفاده از نرم‌افزار SPSS از روش‌های مختلف تجزیه و تحلیل استفاده شده است، در ابتدا با توجه به جامعه آماری و نمونه مورد بررسی، جداول فراوانی مطلق، فراوانی نسبی، آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس)، جدول وزن نرمال شده داده‌ها آورده شده است. شاخص‌ها و گویه‌های اصلی پس از وزندهی به دست آمد. مجدداً با استفاده از نظرسنجی و روش پیمایشی ارتباط گویه‌ها و شاخص‌های مقبولیت مشخص گردید و روابط متقابل گویه‌ها با استفاده از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری حوزه مقبولیت احصاء گردید.

پاسخ سؤال اول) رابطه میان مقبولیت و امنیت

بر اساس داده‌های به دست آمده حاصل از مؤلفه‌ها و شاخص‌های مقبولیت و امنیت در گفتمان ولایت همان‌طور که در فرضیه تحقیق هم گفته شده بود رابطه معنادار و مستقیمی میان مقبولیت و امنیت وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که هرچه مقبولیت نظام در میان مردم افزایش داشته باشد، احساس امنیت در جامعه و امنیت حکومت بیشتر خواهد شد و در نهایت استمرار و تداوم نظام تضمین می‌گردد.

پاسخ سؤال دوم) شاخص‌ها و مؤلفه‌های مقبولیت در نظام اسلامی

با استفاده از نظر نخبگان در پاسخ به سؤالات مطرح شده، شاخص‌های مقبولیت در ۲۶ مورد احصاء گردید و هر کدام از آن‌ها وزندهی شدند، پس از تعیین وزندهی و اولویت‌بندی آن‌ها این شاخص‌ها به دست آمد و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که شاخص‌های احصاء شده به عنوان مؤلفه‌های اصلی مقبولیت در گفتمان نظام اسلامی ولایت محسوب می‌شوند.

پاسخ سؤال سوم) راهبرد مناسب امنیتی برای حفظ و تداوم نظام اسلامی

با استفاده از جدول تعیین جذابیت، مهم‌ترین راهبرد به دست آمده در حوزه مقبولیت به شرح زیر است:

«نشان دادن مداوم مقبولیت نظام از طریق سازوکارهای مشارکتی و حضور مردم در صحنه انتخابات و راهپیمایی‌ها» در واقع یکی از راهبردهای اصلی و کلیدی نتایج حاصله در این تحقیق محسوب می‌شود.

اصل مقبولیت به‌عنوان «مورد رضایت و پذیرش عمومی بودن» نقش مهم و غیر قابل انکاری در تحکیم و تقویت ارکان یک نظام سیاسی ایفا می‌نماید. مقبولیت یک نظام به صور مختلف از جمله از سرمایه اجتماعی، اعتماد، قدرت اقناع و مشارکت سیاسی قابل تجلی است. مشارکت سیاسی و شادابی حضور مردم در مقاطع خاص و مناسبت‌های ملی و دینی از جمله راه‌های توسعه و تقویت مقبولیت نظام تلقی می‌شود. میزان حضور مردم در عرصه انتخابات و نیز مشارکت وسیع در راهپیمایی‌ها و مناسبت‌هایی که بیانگر حمایت مردمی از نظام سیاسی حاکم است، در به رخ کشیدن مقبولیت نظام در عرصه داخلی و خارجی حائز اهمیت بسیاری بوده و گرانیگاه نمایش اقتدار نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. توسعه مشارکت سیاسی مردم از طریق حضور گسترده آنان در انتخابات و راهپیمایی‌های ملی و مناسبتی، ضمن به رخ کشیدن مقبولیت نظام، موجبات افزایش اعتماد میان مردم و مسئولان را فراهم می‌آورد. نشان دادن برتری مردم‌سالاری دینی بر دموکراسی غربی، کاستن از تهدیدات و دست‌درازی‌های دشمن و نیز ناکامی عملیات روانی علیه ملت ایران از دیگر کارکردهای این راهبرد به شمار می‌رود که در تداوم و بقای نظام جمهوری اسلامی ایران نقشی تأثیرگذار بر جای می‌گذارد.

البته این راهبرد پیامدهایی نیز به دنبال دارد:

- مایوس کردن دشمنان نظام اسلامی از هرگونه تجاوز و یا مداخله؛
- نشان دادن اقتدار و قدرت داخلی نظام از پشتیبانی مردمی؛
- الگوی مردم‌سالاری دینی برای کشورهای اسلامی منطقه و جهان؛
- افزایش اعتماد میان مردم و مسئولان و ترویج روحیه همبستگی و همدلی در میان آنان؛
- ارتقا و افزایش ضریب امنیتی برای حفظ و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- بالا رفتن میزان مقبولیت و به‌تبع آن کارآمدی نظام در میان مردم و کشورهای دیگر.

پاسخ سؤال چهارم) شاخص‌های مؤثر در دو حوزه امنیت و مقبولیت

همان‌طور که در مدل مفهومی رابطه میان مقبولیت و امنیت نیز نشان داده شده و داده‌های حاصل از نتایج تحقیق هم نشان داده شاخص‌های مؤثر حوزه‌های مقبولیت و امنیت عبارت‌اند از: قدرت مردم، رضایت‌مندی و حمایت و مشارکت مردمی و اعتماد و اطمینان متقابل مردم و نظام در سایه قدرت لایزال الهی، وحدت و انسجام مردم، ایمان و معنویت و اعتمادبه‌نفس مردم، در یک گویه راهبردی می‌توان گفت که «افزایش رضایتمندی در جامعه منجر به افزایش مقبولیت و کارآمدی نظام شده و افزایش مقبولیت و محبوبیت نظام و مسئولان نیز باعث ایجاد امنیت در جامعه می‌شود».

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه که گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که حکومت و نهادهای حکومتی با تلاش برای ایجاد، بهبود و توسعه متغیرهای امنیت‌ساز از طریق تطبیق آن با شاقول و معیار هویت مورد تعریف امام خمینی^(ره) می‌توانند نظم و امنیت حقیقی، یعنی حفظ مکتب اسلام و پایگاه مردمی آن را تضمین و به این ترتیب امنیت و بقای حکومت را تأمین نمایند و برعکس با بی‌توجهی به متغیرهای امنیت‌ساز و یا توجه به آن متغیرها بدون توجه به تطبیق آن با هویت مورد تعریف امام، زمینه‌ساز ناامنی، مخدوش شدن ایده (مکتب اسلام) و فاصله گرفتن مردم از حاکمیت شده و بقای حکومت را با تهدید وجودی مواجه سازند.

همچنین گفته شد که رویکرد دین به مقوله امنیت، رویکردی ایجابی است. لذا طراحی‌های راهبرد امنیتی نیاز به ارتقا دارد. ارتقای استراتژی‌های امنیتی ما در گرو اصلاح و تلقی نظریه، الگوی تحلیلی از امنیت ملی دارد. همان‌طور که نوع تلقی ما از امنیت بر روی نوع تدوین راهبردهای امنیتی ما تأثیر می‌گذارد.

بر اساس تلقی ما از رویکرد دینی امنیت و مفهوم امنیت در قرآن و روایات و متغیرهای امنیتی از منظر امام^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) می‌توان نتیجه گرفت که هرچقدر

گرایش به سوی احکام و دستورات الهی و یاد و ذکر خدا کاسته شود، به همان میزان ضریب امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز کاهش پیدا می‌کند.

در مجموع از رابطه بین مقبولیت و امنیت در گفتمان ولایت می‌توان گفت که بر اساس گفتمان ایجابی امنیت هرچه فاصله و شکاف بین خواسته‌های مردم و داشته‌ها (پاسخ و کارآمدی نظام) تناسب داشته باشد؛ میزان رضایتمندی مردم بیشتر شده، در نتیجه مقبولیت حکومت در نزد مردم افزایش پیدا می‌کند و وضعیت امنی در جامعه به وجود می‌آید.

برعکس هرچه فاصله و شکاف میان خواسته و داشته زیاد شود، نارضایتی در جامعه تولید می‌شود، مقبولیت نظام کاهش پیدا کرده و وضعیت ناامنی و بی‌ثباتی در جامعه شکل می‌گیرد.

پیشنهادها و راه‌کارها

- ۱- رفع مشکلات معیشتی و نیازهای اولیه مردم و رسیدگی به خواسته‌های برحق مردم؛
- ۲- مشارکت دادن مردم در امور مدیریتی و دخالت دادن آن‌ها در تصمیمات سرنوشت‌ساز؛
- ۳- تقویت روحیه ملی‌گرایانه در مردم و بالا بردن احساس میهن‌پرستی؛
- ۴- تقویت اعتقادات و باورهای مذهبی در مردم؛
- ۵- تأکید بر وحدت و انسجام بین مسئولان و مردم و تقویت احترام متقابل بین آن‌ها؛
- ۶- پرهیز از هرگونه اختلاف و دودستگی در جامعه و مردم و مسئولان.

فهرست منابع و مآخذ

الف. کتاب‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱، ۵۳.
۳. امام خمینی (ره) (۱۳۷۸)، «ولایت فقیه» تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، «نرم‌افزار حدیث ولایت ۱ و ۲»، تهران، مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. آرام، احمد (۱۳۷۳)، «خدا و انسان در قرآن»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. آقابخش‌ی؛ افشاری‌راد (۱۳۷۶)، فرهنگ سیاسی، تهران.
۷. آملی لاریجانی، صادق (۱۳۸۱)، «مبانی مشروعیت حکومت‌ها»، تهران، مجله الهیات و حقوق، شماره ۳.
۸. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۰)، «سخن‌ها را بشنویم»، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۹. افتخاری، اصغر (۱۳۸۲)، مصاحبه با حنیف غفاری، تهران، روزنامه همشهری، ۲۷ مهرماه.
۱۰. افتخاری، اصغر (۱۳۸۲)، «ناامنی محدود، بررسی تهدیدهای جهانی شدن برای اسلام»، مجموعه مقالات جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، «قدرت، امنیت و شریعت؛ درآمدی بر جایگاه امنیت در اندیشه و عمل فقهای شیعه در عصر قاجار»، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی سال هفتم، شماره اول.
۱۲. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، «امنیت»، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، «گذار امنیتی؛ تحول نظریه امنیت امتی در پی رحلت رسول خدا»، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۷.
۱۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «فرهنگ امنیت جهانی»، در اثر: مک‌کین لای، آزادیف وآر. لیتل، «امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها»، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «منطق معادلات امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، زمستان، شماره ۱۴.
۱۶. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، «درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی» تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۷. امینی، الغدیر، ج ۲، بی‌تا.
۱۸. برچر، مایکل (۱۳۸۲)، «بحران در سیاست جهان، ج ۲»، ترجمه میرفردین قریشی و حیدرعلی بوجی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. جعفریان، رسول (۱۳۷۳)، «تاریخ تحول دولت و خلافت در اسلام»، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.

۲۰. جمعی از محققان، (۱۳۸۷)، «سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص)»، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. حافظ‌نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۵)، «ارزیابی معیارهای مقبولیت حکومت دینی، نمونه موردی تهران» تهران، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۸، سال هفتم، شماره ۴.
۲۲. حسینی، حسین (۱۳۹۱)، «بررسی چگونگی حفظ و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبردهای مناسب» تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی دانشکده امنیت ملی، مطالعه گروهی دوره یازدهم رشته مطالعات امنیت ملی.
۲۳. خدیوچم، حسین (۱۳۷۵)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲.
۲۴. خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، «مکتب امنیتی امام خمینی (ره) مبادی و مبانی فرانظری و نظری در گفتمان انقلاب اسلامی»، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۲۵. دال، رابرت (۱۳۶۴)، «تجزیه و تحلیل علم سیاست»، ترجمه حسین ظفریان، تهران، نشر مترجم.
۲۶. روحانی، حسن (۱۳۷۹)، «درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۸.
۲۷. سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰)، «تاریخ عرب قبل از اسلام»، ترجمه باقر صدری‌نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. ساندرز، دیوید (۱۳۸۰)، «الگوهای بی‌ثباتی سیاسی»، مترجم ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۲)، «فروع ابدیت»، ج ۱ و ۲، چاپ هشتم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۰. سخاوتی، نصرالله (۱۳۸۱)، «نگاهی به مفهوم مقبولیت در نظام سیاسی اسلام»، تهران، نشریه علوم انسانی معرفت، ش ۵۵.
۳۱. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۱)، «اوصاف پارسایان»، تهران، صراط.
۳۲. سعیدی شاهرودی، علی (۱۳۶۹)، «جزوه درسی بازشناسی انقلاب اسلامی»، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳۳. شریعتی، روح‌الله، «حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی»، قم، بوستان کتاب.
۳۴. شریعتی، روح‌الله، «گفتمان امنیتی پیامبر اعظم (ص)»، تهران، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۳.
۳۵. شریعتی، علی (بی‌تا)، محمد خاتم پیامبران، (مجموعه مقالات، مقاله از هجرت تا وفات)، چاپ اول، تهران، حسینیه ارشاد.
۳۶. شریعتی، علی (۱۳۷۰)، «روش شناخت اسلام»، تهران: شرکت سهامی خاص، مجموعه آثار، شماره ۲۸.
۳۷. شریعتی، علی (بی‌تا)، «مجموعه آثار»، شماره ۲۶.
۳۸. صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، «جهاد در اسلام»، تهران، نشر نی.
۳۹. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، «بنیادهای علم سیاست»، مجله نور علم، تهران، نشر نی.
۴۰. غرایق زندی، داوود (۱۳۸۹)، «مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران، سال سیزدهم، شماره سوم، شماره مسلسل ۵۰.
۴۱. کشاورز شکری، عباس (۱۳۷۹)، «وفاق اجتماعی، فرهنگ سیاسی و مشروعیت سیاسی» فصلنامه مطالعات ملی، ش ۲ و ۳.
۴۲. مرقانی، سید طه (۱۳۸۲)، «ایده اتحادیه کشورهای اسلامی و ارتقای جایگاه کشورهای اسلامی»، مجموعه مقالات جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی، ج ۲، تهران، شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی.

۴۳. مجتهد زنجانی، سید ابوالفضل، «محمد خاتم پیامبران»، مقاله گوشه‌ای از اخلاق محمد.
۴۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، ج ۵۸، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۴۵. مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، تهدید و امنیت، تهران، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
۴۶. مصطفی دلشاد تهرانی (۱۳۷۲)، سیره نبوی، ج ۳، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
۴۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، امامت و رهبری، تهران، صدرا.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، ولاءها و ولایت‌ها، تهران، صدرا.
۴۹. نصری، عبدالله (۱۳۷۱)، «سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب»، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۵۰. امام خمینی (۱۳۷۲)، صحیفه نور، ج ۴، ۶، ۷، ۱۳، ۱۵، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
51. Barker, Rodney S. (2001): Legitimizing Identities: The self- presentation of Rulers and Subjects, Port Chester, NY, USA: Cambridge University press.

ب. پی‌نوشت‌ها

۵۲. نک: مراد، سعید (۱۹۹۲)، «نظریه السعاده عند فلاسفه الاسلام»، محمد عاطف العراقی، القاہرہ: مکتبه الانجم المصریہ.
۵۳. ر.ک. السید، رضوان (۱۹۹۷)، «الجماعه و المجتمع و الدوله»، بیروت: دارالکتب العربی.
۵۴. ر.ک. توماس، کارولین (۱۳۸۲)، «حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی»، مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵۵. ر.ک. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۴)، «مبانی اندیشه سیاسی اسلام»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۶. ر.ک. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳)، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۳، عنوان مقاله: تحول تاریخی-گفتمانی مفهوم امنیت.
۵۷. ر.ک. مقاله «تفکیک مقبولیت و مشروعیت»، تهران: وبسایت www.tamhid.ir.

Archive of SID